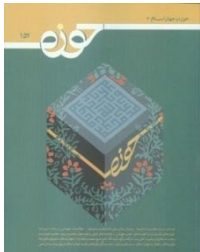


کد مقاله: 24787

تاریخ مقاله: 2003, 25Thursday, December

سرمقاله



## جریان شناسی فرهنگی و خویشتن شناسی (خودت را بشناس)

سقراط

1. خودیابی و خویشتن شناسی، تنها یک حکم فردی اخلاقی نیست، بلکه قاعده ای است حیاتی که بر مبنای آن انسانها صورت‌های ممکن زندگی و جامعه‌ها مسیرهای آینده خود را در تاریخ ترسیم و باز می‌نمایند. بویژه جامعه‌هایی که دوران گذار را سپری می‌کنند و شناخت آن چه که بوده‌اند و آن چه می‌خواهند باشند، برای آنان اهمیتی دوچندان دارد؛ چرا که دوره‌های گذار برای ملت‌ها و جامعه‌ها، همیشه، گذرگاه‌ها و گردنه‌هایی حساس، مهم و پرخطر به شمار می‌آمده‌اند.

جابه‌جایی‌های تاریخی و دگرگونی‌های سرنوشت تمدن‌ها، همواره با رویدادهایی جانکاه و افت و خیزهایی سخت و سرنوشت‌ساز همراه بوده است. در این افت و خیزها، بسیاری از چیزها دگرگونی می‌یابند، بسیاری از داشته‌ها، با یافته‌های جدید رد و بدل می‌شوند، جهان‌ها و جهان‌بینی‌ها دگرگونی می‌یابند، پیش‌ها و کوشش‌های نو سر برمی‌آورد، و دشواری‌های کهن، جای خود را به مسائل جدید می‌دهد.

دگرگونی‌های بنیادین نو، انسان‌ها را نگران می‌کند؛ زیرا در این دگرگونی‌ها، بیم از دست دادن خویشتن، و کم‌رنگ شدن هویت دیرینه می‌رود و این بیم و خطر‌ها، زمانی فزون می‌گردد که انسان‌ها و جامعه بخوانند این مسیر را نه به گونه گام به گام و آهسته آهسته و همراه با درنگ، بلکه با سرعت و شتابی چند برابر بیمایند.

جامعه ایرانی ما دیر زمانی است که در آستانه چنین جابه‌جایی و گذاری واقع شده، جابه‌جایی که بیش از یک قرن است آغاز شده و ممکن است، روزگاری بلند پس از این نیز به درازا بینجامد، امانباید در حساسیت و اهمیت لحظه‌لحظه آن هیچ گونه نگاه تردیدی روا داشت. و ما در این حال، بیش از هر زمانی نیازمند شناخت خویشتنیم؛ زیرا بیش از هر زمان دیگر، نگران از دست دادن خویشتنیم! در چهار دیوارهای وجود ما نسل‌های جدیدی به دنیا آمده‌اند که با صورتهای نوین حیات، مأنوس ترند و ما در این تردیدیم که آیا آنان می‌توانند حاملان و حافظان هویتی دیرینه باشند که ما از خویشتن باز می‌شناسیم.

2. این خودشناسی، بی‌گمان نقطه‌های آغازینی دارد که شاید مهم‌ترین آنها شناخت ویژگی‌های فرهنگی جامعه و شناسایی جریان‌های اثرگذار و سرنوشت‌ساز در آن باشد.

فرهنگ زیست محیطی است که تمام جنبه های زندگی انسان را در برمی گیرد، ضمیر ناخودآگاه جامعه است که در بستر آن کنش ها و رفتارهای انسانی، نه از سر توجه، بلکه غافلانه شکل می گیرد.

برخلاف آن چه می نماید، فرهنگ در محیطی از آگاهی و پیدایی ظهور نمی یابد. در ژرفای پنهان و تودرتوی آن دادوستدهای پیچیده ای صورت می گیرد، تا در لایه های پیدایش، دستاوردهای به ظاهر روشن و ساده ای ظهور یابد. به همین دلیل فرهنگ شناسان کاری سهل اما ممتنع در پیش دارند. در بخش پیدا، به شرح آن چیزی می پردازند که همگان از آن باخبرند، اما در بخش ناپیدا، تحلیل دهلزهای پنهان و تودرتوی این معمای تاریک، کاری بس سنگین و دشوار است.

فرهنگ شناسی را باید جدی گرفت؛ زیرا خویشتن شناسی جمعی ما بر آن استوار است؛ اما نباید آن را سهل و آسان پنداشت؛ زیرا همان گونه که رخنه کردن در ضمیر ناخودآگاه فردی یک انسان، تلاشی ماهرانه و علمی می طلبد، راه یافتن به ناخودآگاه جمعی انسانها سلوکی ژرف تر و جدی تر را طلب می کند.

### 3. فرهنگ، هویتی پارادوکسیکال دارد، پدیده ای است دگرگون شونده اما ثابت، واقعیتی واحد و در عین حال متکثرا!

فرهنگ رودخانه ای گسترده است که در هر لحظه جویبارهای بسیاری بدان می ریزند و چشمه هایی گونه گون از درون آن می جوشند، سرزمینهای جدیدی را می پیماید و در کرانه های آن جوانه های جدیدتری می رویند. همه چیز در فرهنگ، در نمودگاه دگرگونی است؛ اما این دگرگونیها، چنان کند و در درازمدت صورت می گیرد که محسوس نیست و کم و بیش، چهره ای ثابت از فرهنگ در نظرها می آید.

زمانی می توان این دگرگونیها را دید که فرهنگ کنونی را با گذشته بسنجیم و یا در سرایشهای تاریخ، ناگهان با بهمنی از دگردیسیهای فرهنگی روبه رو شویم.

همین گونه فرهنگ جامعه، اگرچه واقعیتی واحد و پیوسته به نظر می رسد؛ اما به واقع پدیده ای متکثر و ناپیوسته است که از مجموعه ای گسترده از خرده فرهنگ ها، و فرهنگ های کوچک تر قوام یافته و برآیند نظری و رفتاری آنها صورتی به ظاهر واحد را برای فرهنگ آن جامعه به نمایش می گذارد.

هر جامعه، خود شکل پذیر از (پاره - گروه)هایی است که همیشه در حال دگرگونی و حالی به حالی شدن اند و هر یک با تولید یک جریان و موج فرهنگی، جایگاه ویژه ای در هم سنجیها و معادله های کلی فرهنگ جامعه بر عهده دارند.

جریانهای فرهنگی، و به گونه ای مسامحه ای، خرده فرهنگ ها، اگرچه ممکن است در ارزیابی پاره ای ناظران، جریانهایی محدود، با برد و دامنه ای کوتاه انگاشته شوند؛ اما پاره ای از آنها در شکل گیری جریان فرهنگی اصلی جامعه و یا در دگرگونی فرهنگها نقش بسیار اساسی بر عهده دارند. اهمیت این نقش را از چند جهت می توان مورد بررسی قرار داد:

الف. پاره ای از جریانهای فرهنگی اگرچه به تنهایی از قوت و بُرد محدودی برخوردارند؛ اما به دلیل نزدیکیها و یا هم آوایی در پاره ای راستاهای مشترک، می توانند به جریانهای ناپیدای قوی تری دگر شوند که از شدت و تأثیرگذاری بیش تری برخوردار است. همچون امواج گوناگون و ناهمگون که می توانند در اثر تداخل حالت تشدید ایجاد کنند. چنین تداخل و تشدید را در جریانهای عرفانی غیر اسلامی که در این مجموعه مورد بررسی قرار گرفته اند، می توان دید.

ب. پاره ای از این جریانها، اگرچه در وهله نخست، به گروه ویژه ای از جامعه بستگی دارند، اما به دلیل این که آن گروه بر گروه میانی و جابه جا کننده و سریان دهنده فرهنگ، اثر می گذارند، می توان پیش بینی کرد که این گروه، از راه لایه های میانی به کل جامعه اثر فکری و فرهنگی خود را خواهد گذارد.

ج. پاره ای از این جریانها، اگرچه محدود و مشخص هستند؛ اما به دلیل آن که در گلوگاه های فرهنگی ایستاده اند می توانند از آن ناحیه بر کل فرهنگ جامعه اثر بگذارند. از باب نمونه، جریانهایی که در حوزه ادبیات و هنر یک سرزمین تناور می گردند و به یک جریان شاخص و عمده دگر می شوند، می توانند از دریچه ادب و هنر مورد توجه جامعه بر درون فردا فرد جامعه اثر بگذارند. به همین دلیل جریانهای فرهنگی ای را که در حوزه هنرهای پذیرفته شده جامعه شکل می گیرند و یا بر ارکان ادبیات جامعه حکم می رانند، باید به دید مراقبت و وسواس مورد بررسی قرار داد.

د. پاره ای از این جریانها، اگرچه طرفداران بسیار انگشت شمار و شناخته شده ای دارند؛ اما به دلیل آن که همان افراد انگشت شماره، در حوزه سیاست و در هرم تصمیم گیری جامعه نقشهای بسیار اثرگذاری دارند، می تواند به اثرگذاریهای ژرف تری در کل جامعه بینجامد. پاره ای از جریانهای مورد بررسی این مجموعه از این دست به شمار می آیند.

4. جریان شناسی فرهنگی، عنوان مجموعه ای است که می خواهد در مسیر خودشناسی معهود گام کوچکی بردارد. طرح و نقشه این مجموعه بسیار گسترده تر از آن چیزی است که اکنون فراروست. بخشهایی از این مجموعه را در شماره حاضر و آینده از نظر می گذرانید و امیدواریم که بخشهای دیگر آن را در آینده نزدیک به پیشگاه اهل نظر عرضه بداریم. بخشهایی از این طرح گسترده، در رساله ای مستقل، با عنوان: (مروری بر کانون نویسندگان) از سوی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه مشهد، نشر یافته است. و بخشهایی، همچنان مراحل پژوهش و نگارش را می پیماید که به امید حق، به زودی به چاپ آنها، نیز همت خواهیم گمارد. اما در مجموع توجه به این نکته بسیار دارای اهمیت است که تمامی این مجموعه، برخلاف تلاش بسیار و توان فرسای گروهی از پژوهش گران، باز هم قطره ای بیش در این مسیر بلند و پیچاپیچ به شمار نمی آید. مسیر فرهنگ شناسی و خویشتن یابی مسیری بلند و پر خطر است که اهتمامی بیش و رهروانی بیش تر می طلبد.

امید آن که این اندک، بتواند ذره ای بر زاد و توش دیگر رهروان این راه بیفزاید.